

چکیده فارسی

مقدمه

اعتباربخشی یکی از رویکردهای موفق بین المللی برای ارتقای پاسخگویی و کیفیت خدمات می باشد و در طی آن عملکرد سازمان ها بر اساس استاندارد های موجود مورد ارزیابی قرار می گردد و با شناخت نقاط قابل بهبود، زمینه برای طراحی و اجرای مداخلات فراهم می شود. بیمارستان های آموزشی علاوه بر تامین سهم بزرگی از خدمات درمانی، در زمینه تربیت نیروی انسانی و انجام تحقیقات علوم پزشکی نیز از جایگاه والایی برخوردار هستند. اعتباربخشی و استانداردهای موجود در آن باید در عین هدف گذاری برای دستیابی به بهترین موقعیت ها، به صورت واقع بینانه و منطبق با شرایط بیمارستان های آموزشی تدوین گردد. در این راستا مطالعه حاضر با هدف طراحی الگوی اعتباربخشی بیمارستان های آموزشی ایران انجام شد.

روش پژوهش

این مطالعه از نوع پژوهش های کاربردی نظام سلامت می باشد که به صورت کیفی چند مرحله ای انجام شد. در طی مراحل پنجگانه این مطالعه، الگوهای اعتباربخشی آموزشی مربوط به نهادهای بین المللی مرتبط و کشورهای منتخب استخراج شد، وضعیت، نقاط ضعف و قوت سیستم کنونی اعتباربخشی بیمارستان های آموزشی بررسی شده و آیتم های مورد نیاز برای تکمیل آن از طریق مصاحبه استخراج گردید، از طریق تلفیق یافته های مراحل قبل، الگوی اولیه اعتباربخشی بیمارستان های آموزشی تدوین شده و در گام نهایی الگوی تدوین شده با انجام تغییراتی به تایید رسید. هدف اول با مرور مستندات و جستجوی اینترنتی، هدف دوم و سوم با مصاحبه نیمه ساختارمند، هدف چهارم به صورت کیفی توسط تیم پژوهش و هدف پنجم با استفاده از تکنیک دلفی و نشست متخصصین محقق شد. از صاحب نظران شاغل در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، اعضای هیئت علمی و کارکنان درگیر در فرآیند اعتباربخشی مصاحبه انجام شد و یافته های بدست آمده با بهره گیری از نرم افزار ۱۰- MQXQDA تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها

الگوی های کمیسیون مشترک بین المللی، فدراسیون جهانی آموزش پزشکی و همچنین الگوی کشورهای منتخب شامل آمریکا، کانادا، استرالیا، ترکیه، تایوان و ژاپن و همچنین الگوی کنونی ایران مورد بررسی قرار گرفت. مهمترین نقاط ضعف مستخرج از هدف شماره دو شامل نقاط ضعف مربوط به برنامه اعتباربخشی (همپوشانی با اعتباربخشی درمان، عدم انطباق با شرایط بیمارستان، عدم پوشش مباحث پژوهشی، ابهام در سنجه ها و انسجام ضعیف)، بستر و زیر ساخت (کمبود نیروی متخصص، عدم تامین منابع مالی، ضعف ساختاری

بیمارستان و عدم آگاهی و پایبندی) و اجرا و نظارت (عدم شفافیت نقش ها، چالش فرماندهی و تضاد منافع، امکان مستند سازی و جعل مدارک، زمانبر بودن و پیامدهای نامشخص) بود. نقاط قوت برنامه شامل نقاط مرتبط با برنامه (سادگی و جامعیت، واژه نامه، ماهیت عملکردی، مشارکت ذینفعان در تدوین و قابلیت اجرایی) و پیامدهای آن (توجه به کیفیت در آموزش، امکان تعیین وضعیت کنونی، ایجاد انگیزه برای بهبود و اهرم قدرت) عنوان گردید. ابعاد اظهار شده برای تکمیل الگوی کنونی شامل ارزیابی فراگیران، بازبینی و تجدید نظر مداوم برنامه آموزشی و بهره وری آموزشی بود. مدل نهایی با ۱۲ بعد و ۹۴ استاندارد تدوین شد. جهت اعتبارسنجی مدل نسبت روایی محتوا و شاخص روایی محتوا برای تمامی آیتم ها محاسبه شده و حداقل مقدار بدست آمده بر اساس نظر ۳۰ نفر از متخصصین برای این دو شاخص به ترتیب برابر با ۰/۴۰ و ۰/۸۰ برآورد شد. راند دوم دلفی تعداد استانداردهای مدل را به ۹۷ مورد افزایش داده و ضریب کاپا در گام نهایی بر اساس مولفه های قابلیت اجرایی، انطباق با اسناد بالا دستی، قابلیت پذیرش توسط ذینفعان، سادگی، انسجام و یکپارچگی و جامعیت مورد بررسی قرار گرفت که با برآورد ضریب توافق بیشتر از ۰/۷۱ برای تمامی مولفه ها الگوی نهایی تایید شد.

نتیجه گیری

یافته های مطالعه حاضر به صورت علمی و از طریق مرور مستندات و شواهد بین المللی، تلفیق و مقایسه رویکردهای جهانی و همچنین ادغام آن با نظرات متخصصین و دست اندکاران داخلی، سبب تدوین الگویی جامع برای اعتباربخشی بیمارستان های آموزشی گردید. این الگو محدودیت های محتوایی و اجرایی برنامه اعتباربخشی کنونی را مد نظر قرار داده و شکاف های موجود در آن را از طریق اضافه نمودن ابعاد و مولفه های مورد نیاز تکمیل نموده است. با بهره گیری از یک رویکرد ساده، جامع و کارآمد می توان زمینه ای را فراهم نمود که امکان ارتقای وضعیت اعتباربخشی آموزشی و کیفیت خدمات آموزشی در بیمارستان های کشور فراهم آید.

واژگان کلیدی

اعتباربخشی، بیمارستان آموزشی، استاندارد، اعتباربخشی آموزشی، ایران